

دریغ گز شبی چنین سپیده سر نمی زند

منبع: سایت زیتون، روز سه‌شنبه، مورخ: ۹۸/۱/۲۷

یکی زشب گرفتگان چراغ بر نمی‌کند
کسی به کوچه سار شب در سحر نمی‌زند

پس از انتخابات ریاست جمهوری بحث برانگیز سال هشتاد و هشت شمسی، «حفاظت اطلاعات سپاه» محوریت یافت و کثیری از دستگیری‌ها و بازجویی‌های معترضان به نتایج انتخابات با مداخلت آن نهاد صورت گرفت. تنی چند از دانشجویانم، در آن ایام بازجویی و دستگیر شدند. شخصا چند بار توسط این نهاد امنیتی بازجویی شدم؛ تنی دیگر از اعضای خانواده ما نیز در آن روزگار بارها بازجویی و اذیت شد و نهایتا مجبور به ترک کشور گشت. دانشجویان، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی متعددی، آن روزگار، به زندان افکنده شدند و یا تلخکامانه کشور را ترک کردند و در این سوی کره خاکی مستقر گشتند. هنوز خاطرات تلخ آن دوران در ذهن و ضمیر بخشی از شهروندان این مرز و بوم زنده است و وضعیت نابهنجار سه نازنین محصور، میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی که بالغ بر هشت سال است بدون برگزاری دادگاه و تفهیم اتهام و دریافت حکم، در منزل خود محبوس و گرفتارند، یادآور آن فصل تلخ از دفتر پر تلاطم سیاست ده ساله اخیر کشورمان هست

به رغم انتقادات متعددی که به مشی و مرام «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در دو دهه اخیر دارم و مشخصا ورود این نهاد به عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را جدا مضر می‌دانسته و می‌دانم، اما این نهاد را بخشی از نیروهای مسلح کشورم می‌دانم و تروریست خواندن آن توسط ترامپ و تیمش را کنشی نابخردانه و مغایر با منافع ملی می‌انگارم. افزون بر رشادت‌های سپاهیان طی جنگ هشت ساله ایران-عراق، خدمات این نهاد در جریان سیل اخیر و کمک به سیل‌زدگان قابل کتمان نیست. مضافا بر این، سپاه یک نهاد گسترده در سراسر کشور است و کثیری از خانواده‌های کارمندان اداری سپاه در کوی و برزن شهرهای مختلف ساکن‌اند و همسایه دیواربه دیوار غیرسپاهیان. چطور می‌توان کل اعضای یک نهاد را اینچنین بی‌محابا و غیر کارشناسانه تروریست قلمداد کرد؟!

عمل بی سابقه تروریست قلمداد کردن بخشی از نیروهای مسلح رسمی کشور، هم فشارها و معضلات اقتصادی را که بار اصلی آن بر دوش هموطنان عزیز داخل کشور است، افزایش می‌دهد؛ هم عمیقا به ضرر نهادینه شدن ساز و کار دموکراتیک در داخل کشور است. حقیقتا ساده‌انگارانه است اگر کسی یا جماعتی (ترامپیست‌های وطنی) بر این باور باشند که مجموعه اقدامات سیاسی ترامپ و نزدیکانش که در اتحادی آشکار با دولت اسرائیل و شخص

ناتانیاهو انجام می شود؛ به اندازه ارزنی در راستای پاسداشتِ منافع ملت ایران است و به پیشبرد اصلاحات سیاسی و مدنی در داخل کشور کمک می کند. اصلا و ابدا. از قضا، چنین اقداماتِ مداخله جویانه ای نتایج معکوس دارد و به گشاده تر شدن دست نیروهای تندرو در داخل کشور و بسته شدن دست نیروهای رفرمیست و میانه رو و تضعیف تحولات سیاسی تدریجی پایدار، منتج می شود. پس از به رسمیت شناختن «بلندی های جولان» توسط ترامپ در آستانه انتخابات اسرائیل که آشکارا مخالف با موازین و قوانین بین المللی بود؛ تروریست قلمداد شدن سپاه پاسداران، از تنگتر گشتن حلقه محاصره حکایت می کند و از آن بوی جنگ به مشام می رسد. امری که برای همه وطن دوستانی که دغدغه حفظ تمامیت ارضی کشور را دارند، دل آزار و نگران کننده است.

روزگاری که در انگلستان به درس و مشق فلسفی مشغول بودم، آموزه های مکتب «لیبرالیسم» به جانم خوش نشسته بود و آنها را می پسندیدم. هنوز با «حقوق بنیادین» انسانها، فارغ از نژاد، رنگ پوست، مذهب، جنسیت... که از موارث نیکوی سنت لیبرالی است، عمیقا بر سر مهرم و آنرا موجه می انگارم؛ اما چند صباحی است با عنایت به تجربه زیسته ام، آموزه انسان شناختی محوری لیبرالیسم را که متضمن خوشبین بودن به نهاد انسان است، فرو نهاده و بیشتر با ایده تامس هابز که به نهاد انسان بدبین بود و به صراحت می گفت: «انسان گرگ انسان است»، در عرصه سیاست همدلی دارم؛ که انسان اگر مانع و رادعی پیش پای خود نبیند، طغیان می کند و از این حیث سیری ناپذیر است. همچنان از نهاد «انسان» ناامید نشده ام و به اقتفای رابیندرانات تاگور با خود زمزمه می کنم: «تولد هر کودک، نشان آن است که/ خدا هنوز از انسان ناامید نشده است» و بسان سپهری دلمشغول «جنبش واژه زیست» و «کودک پس فردا» و «کفتر آن هفته» و «نان گندم» ام؛ اما عمیقا مغموم می شوم وقتی می بینم در عرصه سیاست بین الملل، پس از دویت سال مشق دموکراسی نویسی در کشور آمریکا و برگزاری چهل و پنج دوره ریاست جمهوری، رئیس جمهور رسوا و بی پرستی چون ترامپ بر مسند قدرت تکیه زده و مع الاسف احتمال دوباره انتخاب شدنش کم نیست. همچنین، به اندازه یک ابر دلم می گیرد و زیر لب، «سایه» وار با خود زمزمه می کنم: «گذرگهی است پر ستم که اندرو به غیر غم/ یکی صلاهی آشنا به رهگذر نمی زند»، زمانی که مشاهده می کنم ناتانیاهوی نابکار که دستی گشاده در کشتن فلسطینیان مظلوم و بی پناه دارد، نعل وارونه می زند و در راهپیمایی مقابله با تروریسم در صف نخست قرار می گیرد و به ریش همه آزادگان جهان می خندد. نخست وزیری که مترصد ضربه زدن به تمامیت ارضی ایران به هر بهانه ای است و مزورانه دم از دوستی با ملت ایران می زند.

«روزگار غریبی است نازنین!». در این ایام پرتب و تاب، بیش از هر چیز دلنگران مردم شریف سرزمینم هستم که هم با تحریم ها و فشارهای اقتصادی و فضای تنگ و بسته سیاسی داخل کشور دست و پنجه نرم می کنند، هم در چنبره سیاست های بلندپروازانه و جفاکارانه ترامپ و ناتانیاهو گرفتار آمده و دلنگران سایه شوم درگیری و جنگ اند:

دل خراب من دگر خراب تر نمی شود

که خنجر غمت از این خراب تر نمی زند